Matin Hossein Momeni Moghadam — FIVB — Gholamreza

ستاره نداشتیم ستاره شدیم

مومنی‌مقدم، سرمربی تیم ملی جوانان و بهترین بازیکن این تیم سیدمتین حسینی، بعد از قهرمانی تیم در مسابقات جهان، خواسته‌هایی از مسئولان دارند؛ خواسته‌هایی معقول و بجا

با اسکن این کیوآرکد فیلم کامل این گفت‌وگو را تماشا کنید.

ظهر جمعه تلویزیون همشهری ۲مهمان ویژه داشت؛ مهمانانی که ساعت‌ها می‌توانی پای حرف‌هایشان و دردل‌هایشان بنشینی، ساعت‌ها می‌توانند از لحظه‌های خوب، از روزهای سخت و از گریه‌ها و خنده‌هایشان برایت حرف بزنند و... مهمانان رضا مومنی‌مقدم و سیدمتین حسینی بودند؛ ۲چهره خبرساز این روزهای ورزش ایران؛ یکی در قامت سرمربی تیم که برای دومین بار والیبال ایران را روی بالاترین سکوی جهان قرار داد و با معرفی جوانانی جدید، بار دیگر ضامن آینده درخشان این رشته شد و دیگری بازیکن همان تیم بود؛ بازیکنی که در بین نامی‌های والیبال جهان ارزشمندترین شد و البته با عملکردی که داشت، دل هواداران را ربود.

وقت دومین قهرمانی جهان؛ ادای این کلمات راحت است، ولی واقعا کار سختی است. آقای مومنی! واقعا در خودتان و در این تیم می‌دیدید که به قهرمانی برسید؟

مومنی‌مقدم: تکرار قهرمانی واقعا سخت است. همه توقع داشتند تیم ما بتواند قهرمان شود و این روی کل تیم فشار می‌آورد. استفاده از اصطلاح مدافع عنوان قهرمانی در جوانان درست نیست؛ چراکه تیمی که دوره قبل قهرمان شده، با این تیم کلا متفاوت است و شاید فقط کادر فنی بود که می‌توانست مدافع قهرمانی باشد. به هر حال ما هدف و برنامه‌ریزی داشتیم و راه را می‌شناختیم؛ چون مسیر را قبلا رفته بودیم. مهم این بود که بازیکنان و تفکرات‌شان را هم با خودمان همسو و به سمت هدف هدایت کنیم.

وقت در این دوره شرایط آمادگی هم متفاوت بود. در شرایط جنگی بچه‌ها اردو بودند و حفظ آنها در اردو سخت بود.

مومنی‌مقدم: دقیقا همینطور بود. تیم بزرگسالان الف و ب در تهران اردو داشتند و به خاطر اینکه در تهران فقط یک سالن والیبال داریم، ما مجبور بودیم در شهرستان‌ها اردو داشته باشیم. ۳اردو در نور برگزار کردیم و درست زمانی به تهران برگشتیم که جنگ ۱۲ روزه شروع شده بود. در این جنگ یکی از جاهایی که مورد هدف حمله قرار گرفت، در فاصله ۱۵۰-۱۰۰ متری استادیوم آزادی بود و بچه‌ها از ترس، شب در محوطه ورزشگاه می‌خوابیدند که در امان باشند. آن روزها فشار زیادی روی من بود؛ از یک طرف خودم نگران بودم که برای آنها اتفاقی نیفتد و از طرف دیگر خیلی از خانواده‌ها تماس می‌گرفتند و می‌گفتند نمی‌خواهیم بچه‌هایمان والیبالیست شوند، آنها را به خانه بفرستید تا آسیب نبینند. در کنار همه این نگرانی‌ها به این هم فکر می‌کردیم که از دور انعطیل کنیم و برگردیم سر خانه اول. تنها جایی هم که بچه‌ها می‌توانستند تمرین کنند اردوی تیم ملی بود؛ چون همه سالن‌ها در شهرهای دیگر تعطیل بودند. بعد از ۲روز توانستیم یک ماشین پیدا کنیم و دوباره به نور برویم. در نور هم هفته اول تمرینات تحت‌تأثیر جنگ بود و بازیکنان افت چشمگیری داشتند؛ ما این شرایط را تحمل کردیم و البته بچه‌ها هم انگیزه بالایی برای رسیدن به مدفشان که قهرمانی جهان بود، داشتند و دلیلی نداشت کردند. این قهرمانی برای من تجدید خاطره بود و تکرار شد، ولی برای بچه‌ها آرزو بود.

وقت همه بازیکنان تیم برای اولین بار بود که قهرمان جهان می‌شدند؟ از تیم قبلی کسی در این تیم نبود؟

مومنی‌مقدم: یک بازیکن هم از تیم قبلی نداشتیم. همه بازیکنان این تیم کسانی بودند که نه در آسیایی و نه در جهانی نوجوانان طلانگرفته و تشنه قهرمانی بودند. آنها در صحبت‌هام به من می‌گفتند: آقا فقط یک کاری کنید که ما بتوانیم قهرمان شویم. انگیزه‌های زیادی داشتند. به آنها گفتم این مسیری را که ما ریل گذاری می‌کنیم، اگر درست برود به طلا می‌رسید، ولی مسیر خیلی سختی است و آستانه تحمل را باید بالا ببرید. بچه‌ها در تمرینات از دست من ناراحت می‌شدند؛ چون آدم سختگیری هستم، اما برای هدف باید سخت می‌گرفتیم. همیشه این شعار من است و می‌گویم یا باید در تمرین گریه کنیم و در مسابقه بخندیم یا در تمرین بخندیم و در مسابقه گریه کنیم.

وقت پس در تمرینات گریه بچه‌ها درآمد. متین از تمرینات بگو.

متین: ۲۰ فروردین اردوها شروع شد و همان شب اول آقا رضا جلسه گذاشت و از مسیر هدف‌ها... صحبت کرد و گفت: من این مسیر را رفته‌ام و می‌دانم سخت است. اما نشد ندارد در نور، در تابستان و کنار دریا تمرین کردن خیلی سخت است. شهر زابنگمن هم شرجی است و کادر فنی می‌خواست ما به شرایط آب‌وهوایی آنجا عادت کنیم. در ۳-۲ ماه اردویی که در نور داشتیم، از نظر بدنی ساخته شدیم.

وقت این تمرینات روی خود شما چقدر تأثیر داشت؟

متین: قبلا هم این را گفته‌ام، بعد از بازی فینال می‌توانستم ۲ست دیگر بازی کنم. در فینال مشخص بود و همه دیدند که هیچ‌کدام از بازیکنان کم نیاوردند.

سرباز وطنم

جا دارد از همه همکارانم تشکر کنم. آنها از من هم بیشتر برای تیم زحمت کشیده‌اند، ولی اصلا دیده نمی‌شوند. باید از فدراسیون هم به‌خاطر تلاش‌هایی که برای تیم کرد، تشکر کنم. مقام معظم رهبری هم برای قهرمانی ما پیام دادند که خیلی مسرت‌بخش بود. سران قوای سه‌گانه هم پیام دادند. ما با این قهرمانی دلیل حال خوب مردم شدیم و در شرایط سخت حال خوب آنها مهم‌ترین دستاورد برای ما بود، ولی ما باید برای این بچه‌ها چه کار کنیم؟ ما وظیفه‌مان را انجام داده‌ایم، مردم هم راضی هستند و هر کاری برای این بازیکنان انجام بدهیم کم است. در بزرگ‌ترین رویداد جهانی سرود ایران پخش شد و پرچم ایران بالا رفت. ۲۴ تیم به احترام کشور ما ایستادند و این خیلی ارزشمند است و نباید به یک پیام بسنده شود. من تجربه‌اش را دارم، هر کاری که برای تیم انجام شود، باعث دلگرمی من و بچه‌ها می‌شود. من الان می‌توانم به این فکر باشم که دینم را ادا کرده‌ام، پس است و می‌توانم دنبال زندگی‌ام بروم و از هنری که دارم به فکر درآمدزایی باشم، ولی اگر ارزش قائل باشند، هنوز سرباز وطنم.

شخصیت ولاسکو را دوست داشتم

وقت متین روزهای جنگ چطور گذشت؟

شب اول جنگ ما بیدار بودیم و می‌خواستیم بازی ایران و آمریکا را ببینیم. (لیگ ملت‌ها) سوت بازی را که زدند یک صدایی آمد...

مومنی‌مقدم: آب شب بیدار بودید؟

متین: می‌خواستیم فقط یک ست ببینیم... یک صدایی آمد و من فکر نمی‌کردم اتفاق خاصی افتاده باشد، ولی دیگر کم‌کم صداها بیشتر شد و متوجه شدیم که موشک زده‌اند. عکس‌هایش در فدراسیون هست. آن شب‌ها ما روی آسفالت، روی چمن، لای درخت‌ها می‌خوابیدیم و کلا بیدار بودیم. خانواده‌ها دوست نداشتند در اردو باشیم. شاکی بودند و مدام زنگ می‌زدند. آقا رضا می‌گفت در شرایط سخت قهرمان شوی شیرین‌تر است تا اینکه در هتل هتسازه باشی و همه‌چیز برایت آماده باشد.

وقت اینکه به‌عنوان ارزشمندترین بازیکن یک تورنمنت انتخاب شوی، خیلی احساس غرور دارد؟

متین: حس خیلی خوبی است البته اول بیشتر به‌خاطر اینکه تیم قهرمان شد، خوشحال بودیم و بعد برای بهترین شدن خودم. گرفتن جایزه‌های انفرادی زحمت می‌خواهد و باید سخت کار کنید. قبل از هر چیزی باید در اردوها خوب باشید تا انتخاب شوید، بعد به فکر قهرمانی تیم باشید و بعدش باید دنبال بهترین شدن خودتان باشید.

وقت واقعا هدف متین این بود که بهترین بازیکن شود؟

متین: با آقا رضا که در خلوت صحبت می‌کردیم، می‌گفت: می‌خواهی بهترین شوی یا نه؟ او می‌گفت کجاها را اشتباه می‌روم و کجاها را درست. یک‌سال آخر که همه‌چیز روی غلتک افتاده بود، ما به بهترین شرایط رسیدیم. در مسابقات هم که اول تیم قهرمان شد و من هم ۲جایزه را به نام خودم ثبت کردم.

وقت اگر تیم قهرمان نمی‌شد و تو بهترین بازیکن انتخاب می‌شدی، چه می‌شد؟

متین: ارزشمندترین بازیکن را همیشه از تیم قهرمان انتخاب می‌کنند و اگر تیم قهرمان نمی‌شد این عنوان را از دست می‌دادم. اینکه آن بالا روی سکو خوشحال باشی یا از نه دل خوشحال باشی، فرق می‌کند. من با قهرمانی تیم از ته‌دل خوشحال بودم و از همه هم تشکر کردم؛ چون نه من یک تنه تیم را قهرمان کردم و نه یک تنه به اینجایی که می‌خواستم رسیدم. از نفر دوازدهم گرفته تا نفر اول همه با هم تیم را قهرمان کردیم. در بازی‌های مرحله گروهی شاید خیلی از مردم به ما باور نداشتند، اما از نخستین بازی حذفی، از بازی با ژاپنی‌ها یک ورژن خیلی قوی از ایران رو شد و هر کی تیم ما را می‌دید، می‌ترسید. مربیان چند تیم به آقا رضا گفته بودند شما را فینال می‌بینیم. ما موفقی ۹۰ درصد از راه قهرمانی را رفتیم که در مرحله گروهی لهستان را بردیم. اگر آن بازی را می‌باختیم، باز هم صعود می‌کردیم و فقط مسیرمان سخت می‌شد، ولی لهستان را که بردیم، راه قهرمانی برای ما باز شد. البته بازی با لهستان از بازی با ایتالیا در فینال هم سخت‌تر بود.

وقت لهستان از همه تیم‌ها بهتر بود؟

بهتر از همه تیم‌ها آمریکا بود. آمریکا تیم خیلی قدرتمندی بود. فقد سیستم و عملکردشان، همه‌چیز تیم خوب بود. اگر ما برای آن بازی برنامه نداشتیم، حتما می‌باختیم.

وقت پیام خانواده‌ها قبل از بازی آخر پخش شد، این فکر کی بود؟ آقای مومنی نمی‌ترسیدید نتیجه عکس بدهد؟

تصمیمی بود که خودمان گرفتیم. هم اعضای کادر با هم صحبت کردند و هم خودم جداگانه با روانشناس صحبت کردم. روانشناس گفت این یک شمشیر دولبه است؛ ممکن است خیلی خوب جواب بدهد و شاید هم نتیجه عکس بدهد که خیلی بد می‌شود. مراقب باشید. گفت: نوبچه‌ها را می‌شناسی، اگر بعد از شنیدن صدای خانواده‌هایشان گریه کنند، خیلی برایت بد می‌شود که متأسفانه بچه‌ها در رختکن گریه کردند و من گمنند نمی‌خواهیم بچه‌هایمان والیبالیست شوند، آنها را به خانه بفرستید تا آسیب نبینند. در کنار همه این نگرانی‌ها به این هم فکر می‌کردیم که از دور انعطیل کنیم و برگردیم سر خانه اول. تنها جایی هم که بچه‌ها می‌توانستند تمرین کنند اردوی تیم ملی بود؛ چون همه سالن‌ها در شهرهای دیگر تعطیل بودند. بعد از ۲روز توانستیم یک ماشین پیدا کنیم و دوباره به نور برویم. در نور هم هفته اول تمرینات تحت‌تأثیر جنگ بود و بازیکنان افت چشمگیری داشتند؛ ما این شرایط را تحمل کردیم و البته بچه‌ها هم انگیزه بالایی برای رسیدن به مدفشان که قهرمانی جهان بود، داشتند و دلیلی نداشت کردند. این قهرمانی برای من تجدید خاطره بود و تکرار شد، ولی برای بچه‌ها آرزو بود.

مومنی‌مقدم: اگر بخواهند سرمربی تیم ملی می‌شوم

گربه سیاه ایتالیا هستیم؟

مربی ایتالیا مربی دوره قبل نبود، اما تیم ما را می‌شناخت. به من گفت مطمئنم فینال می‌بینمت و می‌خواهم انتقام ۲۰۲۳ را بگیرم. می‌خواست بازی روانی کند. این باز هم ما بودیم که آنها را با یک ست کمتر بردیم.

رکورد شکسته می‌شود؟

۱۰۰ روز بدون شکست و رقابت با ولاسکویی که ۳۳ برد دارد. فعلا که تا پایان قهرمانی جهان حکم داشتم. به بعدش هنوز فکر نکرده‌ام.

سرمربی بزرگسالان می‌شوید؟

صددرصد. دوست دارم این اتفاق بیفتد و برایش خیلی زحمت کشیده‌ام. ۱۸ سال است که مربی تیم‌های ملی هستم و فقط یک دوره گماهد در این تیم‌ها نبوده‌ام. اگر بخواهند از من استفاده کنند استقبال می‌کنم و اگر نشود در خارج از کشور سرمربیگری را پیگیری می‌کنم.

■ بارک‌کی‌وون یا کیاچ؟
بارک‌کی‌وون

■ بارک‌کی‌وون یا گائیچ؟
بارک‌کی‌وون

■ بارک‌کی‌وون یا حسین معدنی؟
حسین معدنی. مرحوم معدنی یا علم روز دنیا آشنا بود و حتی می‌توانست بهترین مربی دنیا شود.

■ حسین معدنی یا کواچ؟
معدنی.

■ حسین معدنی یا لوزانو؟
حسین معدنی

■ حسین معدنی یا کولاکوویچ؟
عمر میریگری حسین معدنی زیاد نبود. من خودم دستیارش بودم و موفعی هم که بازی می‌کردیم، کاپیتان تیم ملی بود. از بعد فنی و اخلاقی فوق‌العاده بود و بازیکن را درک می‌کرد و دنبال علم روز بود. او در مربیگری الگوی من است و همیشه دوست داشتم مثل او باشم. اگر حسین معدنی الان بود، می‌توانست از کولاکوویچ خیلی بهتر باشد.

■ حسین معدنی یا الکنو؟
الکنو طلای المپیک دارد و نمی‌توان با کسی مقایسه‌اش کرد. اگر معدنی را انتخاب کنم به خاطر غرق و تعصب است. از نظر بین‌المللی الکنو بالاتر است.

■ الکنو یا پهروز عطایی؟
به‌واسطه مدال‌ها و افتخارات الکنو از آقای عطایی بالاتر است.

■ الکنو یا یاتز؟
الکنو

■ الکنو یا ولاسکو؟
سوال ندارد ولاسکو. یکی از شانس‌هایی که داشتم این بود که ۷سال کنار دست او و به عنوان سرمربی تیم بر کار کردم. در بحث مربیگری ۷۰-۸۰ درصد چیزهایی که بلدم از او یاد گرفته‌ام. هم علم تمرین و هم علم روان‌شناسی او فوق‌العاده بود. دقیقا می‌دانست کی به بازیکن فشار بیاورد، کی داد بزند و کی دست روی سر بازیکن بکشد.

■ ولاسکو یا پیانزا؟
ولاسکو.

■ ولاسکو یا پیمان اکبری؟
پیمان دوست صمیمی من است و بین مربیان ایرانی از بهترین‌هاست. اما فکر می‌کنم این سوال را از خود پیمان هم بپرسی، می‌گوید ولاسکو. او مربی قرن شد.

چالش انتخاب بهترین مربی با مومنی‌مقدم

حسینی: می‌خواهم به بهترین لیگ دنیا بروم؛ به ایتالیا

متین را کی کشف کرد؟

پدرم در حد شهرستان والیبال بازی می‌کرد. سر تمرینات من هم با او می‌رفتم. پدرم مربی نیست، ولی ساعد و پنجه را به من یاد داد. ۵ساله بودم و هر جا می‌خواستم بروم والیبال یاد بگیرم کس قبول نمی‌کرد. سایز ۳توپ والیبال هم برابر بزرگ بود. بعضی وقت‌ها هم من نمی‌خواستم تمرین کنم و پدرم مرا هل می‌داد. چند سالی اینطوری گذشت تا اینکه یه آکادمی مرحوم حسین کاظمی رفتم که متأسفانه ۳ماه بعد از شروع تمرینات من به رحمت خدا رفت. من و خانواده با هم بودیم و او به مربیان دیگر گفته بود که ما هر دو به تیم ملی می‌رسیم و هر چی لازم است برایمان فراهم کنند. بعد از آن هم که به تیم نوجوانان رفتم. یک مدت تیم شش بودم و بعد از آن با تیم پیکان قرارداد بستم.

سقف برایت کجاست؟

می‌تواند لیگ ایتالیا باشد. حتی امسال هم می‌توانستم بروم، ولی نشد و امیدوارم سال‌های آینده بتوانم در این لیگ باشم. لیگ ایتالیا بالاتر بین است. می‌خواهم با تیم ملی دوباره به المپیک صعود کنم. ایران می‌تواند یکی از تیم‌های خوب حاضر در المپیک باشد. بهترین تورنمنت برای فوتبال جام جهانی است و برای والیبال المپیک. می‌خواهم در المپیک بازی و به تیم کمک کنم.

بهترین در پست خودت؟

رفیق و بچه‌محلی‌ام پوریا حسین‌خانزاده نشان داد اسپک زدن و والیبال بازی کردن یک جور دیگر است. او خیلی چیزها را در والیبال جابه‌جا کرد. بقیه بازیکنان هم که در این پست هستند رقیبم نیستند، رفیقم هستند. یکی از آنها علی حق‌پرست است که او هم بابلی است. بین بازیکنان خارجی هم لئون را خیلی دوست دارم که در سرویس صاحب سبک است. نمیر هم خیلی خوب است.

■ بهنام محمودی یا سعید رضایی؟
والیبال آنها را یادم نمی‌آید ولی بهنام محمودی

■ بهنام محمودی یا پیمان اکبری؟
پیمان اکبری

■ پیمان اکبری یا امیر حسینی؟
پیمان اکبری

■ پیمان اکبری یا شهرام محمودی؟
پیمان اکبری

■ پیمان اکبری یا امیر غفور؟
پیمان اکبری

■ پیمان اکبری یا عادل غلامی؟
پیمان اکبری

■ پیمان اکبری یا فرهاد قائمی؟
پیمان اکبری

■ پیمان اکبری یا مهدی مهدوی؟
پیمان اکبری

■ پیمان اکبری صابر کاظمی؟
صابر خیلی در تیم ملی نبود. باز هم پیمان اکبری

■ پیمان اکبری یا میلاد عبادی‌پور؟
آقا پیمان ۸ یا ۹ سال کاپیتان تیم ملی بود ولی آقای عبادی‌پور فقط یکی دو دوره کاپیتان بود. باز هم پیمان اکبری.

■ پیمان یا امین اسماعیل‌نژاد؟
امین ۳-۴ سالی است که وارد تیم ملی شده و دارد می‌درخشد. هنوز جا دارد. باز هم پیمان اکبری.

■ پیمان اکبری یا رضا مومنی‌مقدم؟
متین: نمی‌شود جفتش را بگویم. آقا رضا در تیم ملی خیلی کمک کرده و آقا پیمان در باشگاهی. بازی‌هایشان را ندیده‌ام. آقا رضا خودش جواب بدهد. از نظر زحمت‌هایی که برایم کشیده‌اند... گماه یا آقای اکبری و مومنی‌مقدم: من پیمان را انتخاب می‌کنم. متین: دیگر خود آقا رضا گفتند آقا پیمان.

■ پیمان اکبری یا مرتضی شریفی؟
پیمان اکبری.

■ پیمان اکبری یا محمد موسوی؟
متین: سخت شد. از نظر سابقه ملی بخواهیم بگوییم برابر هستند ولی سابقه کاپیتانی را نمی‌دانم کدام بیشتر است. در تیم ملی فکر کنم افتخارات آقا پیمان بیشتر است.
مومنی: سابقه کاپیتانی پیمان بیشتر است.
متین: پیمان

■ پیمان اکبری یا سعید معروف؟
چه بگویم. پیمان اکبری

■ پیمان یا پوریا حسین‌خانزاده.
وااااای. پوریا حسین‌خانزاده.

چالش انتخاب بهترین بازیکن با حسینی

وقت ایران تقریبا همیشه در جوانان و نوجوانان خوب بوده، اما همین بازیکنان یا قهرمانی جهان که به بزرگسالان می‌رسند، فاصله‌شان با نیم‌های برتر جهان زیاد می‌شود. یکی از ایرادتانی که همیشه مربیان خارجی از بازیکنان ایرانی می‌گیرند این است که در پایه تکنیک‌ها خوب آموزش داده نشده است. اینها را که کنار هم می‌گذاریم، خیلی منطقی به‌نظر نمی‌رسد. آقای مومنی‌مقدم بقیه چه کار می‌کنند که ما نمی‌کنیم؟

این سوال را همه از من می‌پرسند. ۳-۴ اکتوبر هست؛ یکی بحث امکانات است. کشورهای صاحب سبک از نظر امکانات سخت‌افزاری خیلی از ما جلوتر هستند و از نظر پزشکی، آمادگی جسمانی، سالن‌ها و تمریناتی که دارند با ما قابل مقایسه نیستند. مسئله دوم تعداد تمرینات و بازی‌های حرفه‌ای بازیکنان در لیگ‌های معتبر است. بازیکن ما که بهترین بازیکن جهان هم شده در لیگ که خیلی پویا نیست، چند بازی بیشتر انجام نمی‌دهد؛ شاید اگر همه بازی‌ها را کنار هم بگذاریم به ۵بازی هم نرسد، اما در والیبال ایتالیا لیگ دارد. جام‌حذفی، یورولیگ و... جوان آنها ۲۰ بازی می‌تواند انجام بدهد. اینجاست که بازیکن ما عقب می‌افتد. نکته سوم که خیلی مهم است، بحث تفکر و فرهنگ بازیکنان است. اما اگر بتوانیم مثل کشورهای سطح اول فکر کنیم، مثل آنها تمرین و استراحت کنیم، مثل آنها تغذیه داشته باشیم و حتی مثل آنها تفریح کنیم، چون جوان باید تفریح داشته باشد، عقب نمی‌مانیم.

فرق ما با بقیه

نداشتند. کسی که در فاز گربه می‌رود و در موضع ضعف است، ادرنالینی که باید ترشح کند، نمی‌کند. اما در ست دوم که همه بازیکنان به حالت عادی برگشتند تیم متفاوتی دیدیم. خود ایتالیا هم فکر نمی‌کرد بازی آنطور پیش برود؛ البته بحث فنی هم بود و ما از ست دوم از بلن دوم استفاده کردیم که بهترین فرم تیم در آن بلن بود. ما این بلن‌ها را تمرین کرده بودیم. ایتالیا از نظر آنالیز کشور یک دنیاست. آنها کاملا ما را آنالیز کرده بودند و ست اول روی سیستم آنالیز آنها واگذار کردیم. از امتیاز ۱۹-۱۸ دیگر به آن ست فکر نمی‌کردم و بیشتر روی بلن ۲ و اینکه از ست دوم چطور بازی کنیم، تمرکز کرده بودم.

وقت ریسک نبود؟

مومنی‌مقدم: یکی از فاکتورهای مربی‌گری ریسک کردن است.

وقت قهرمانی ۲۰۲۳ برای شما لذت‌بخش‌تر بود یا این دوره؟

مومنی‌مقدم: هر دو قهرمانی برای من لذتبخش بود. دوره قبل هم ما ۲ بر یک از ایتالیا عقب بودیم و توانستیم به بازی برگردیم. آنها کمتر تیم یک کادر ۱۲-۱۱ نفره داشتند، با اضافه آقای ولاسکو که آن دوره مدیر تیم‌های پایه ایتالیا بود. این‌جا هم می‌دانستیم که آنها با ایتالیا پیش می‌روند و ما باید با سیستم ضدآنالیز بازی را برگردانیم. در آن بازی یک بازیکن خوبم به نام مبین نصری را ببرون گذاشتم و یونس جوان را که تافبال خیلی کم بازی کرده بود، به زمین آوردم، جای خانواده را هم عوض کردم و... که با این ترفندها بازی را بردیم. این دوره هم ست اول را با اختلاف ۱۰ امتیاز باختیم. نمی‌که ما این اختلاف می‌بارد. در مخیله بازیکن، تماشاگر و... بازنده است و دیگر نمی‌تواند به بازی برگردد. اما ما در تمرینات سختکوش بودن، جنگندگی، تسلیم‌نشدن، تاکتیک‌پذیری و... را کار کرده بودیم و در بازی پیاده کردیم. از عمران کوچلی، یاسور تیم هم هر کار و هر برنامه‌ای خواستم درست انجام داد.

وقت نقطه عطف آن بازی ۷سرویس متوالی بود که متین زد. در سطح اول والیبال دنیا، آن هم در بازی فینال خیلی کم پیش می‌آید یک بازیکن بتواند اینطور سرویس بزند. متین آن لحظه چه شد که سرویس‌ها نشست؟

متین: از نخستین اردو کادر فنی روی سرویس تأکید داشت؛ چون در والیبال امروز سرویس سلاح مهمی است. هفته‌ای ۴-۳ بار و روزی ۲ ساعت روی سرویس کار می‌کردیم. در کنار اینکه یک ساعت هم بدنسازی داشتیم، بیشتر بچه‌ها سرویس‌هایشان عالی بود و من هم در تمرینات روی سرویس خیلی نمر کز کرده بودم. آقا رضا سرعت‌سنج داشت و اگر این هفته سرعت سرویسم روی ۱۲۰ کیلومتر بود، سعی می‌کردم هفته بعد سرعت به ۱۲۱ کیلومتر برسد. آخرین رکوردم ۱۲۹ کیلومتر بود. از قبل منتظر چنین صحنه‌هایی بودم؛ چون برایش وقت گذاشته بودم.

وقت زدن سرویس قدرتی، ریسک نداشت؟

آمادگی‌اش را داشتم؛ نه اینکه بخواهم ۷سرویس بزنم، ولی می‌دانستم می‌توانم ۴-۳ بازیم. اگر پوئن ۲۲ خسته نمی‌شدم باز هم ادامه می‌دادم، ولی دیگر توان زدن نداشتم. در کل هر چیزی که تمرین کرده بودیم، مو به مو در مسابقات خودش را نشان داد.

وقت بعد از قهرمانی هم عکسی منتشر شد که خیلی دیده شد؛ عکس خواب با جام قهرمانی... این ایده را از فوتبالی‌ها گرفته بودی، اصلا فوتبال می‌بینی؟

متین: الان که نه، ولی قبلا فوتبال می‌دیدم و طرفدار رئال مادریدم. این عکس گرفتن با جام را هم بعد از المپیک در والیبال دیده بودم. آقا رضا شب قبل از بازی فینال گفته بود همه در ذهنشان قهرمانی را تصویرسازی کنند. من به خودم گفتم فردا می‌رویم، قهرمان می‌شویم. من یکی از بهترین‌ها می‌شوم. می‌آیم اینجا می‌خوابم و با جام عکس می‌گیرم که واقعا همینطور هم شد. تیم کلا به قهرمانی فکر می‌کرد. حتی روز بازی سر ناهار به آقای خیرخواه که عکاس تیم بود، گفتم ما امروز قهرمان می‌شویم و من ارزشمندترین بازیکن می‌شوم. بعد از بازی گفت: اینها را از کجا می‌دانستی؟ گفتم: همه ما فقط ذهن قهرمانی داشتیم؛ حتی یک نفر نگفت اگر ببازیم چه می‌شود. در واقع کسی به باخت فکر نمی‌کرد.

وقت در تیم جوانان بازیکنان در حال تغییر هستند و تکرار قهرمانی خیلی سخت می‌شود. مربی باید از اول استارت کار را بزند. از طرف دیگر تیم ۳ سال پیش

وقت ایران تقریبا همیشه در جوانان و نوجوانان خوب بوده، اما همین بازیکنان یا قهرمانی جهان که به بزرگسالان می‌رسند، فاصله‌شان با نیم‌های برتر جهان زیاد می‌شود. یکی از ایرادتانی که همیشه مربیان خارجی از بازیکنان ایرانی می‌گیرند این است که در پایه تکنیک‌ها خوب آموزش داده نشده است. اینها را که کنار هم می‌گذاریم، خیلی منطقی به‌نظر نمی‌رسد. آقای مومنی‌مقدم بقیه چه کار می‌کنند که ما نمی‌کنیم؟

این سوال را همه از من می‌پرسند. ۳-۴ اکتوبر هست؛ یکی بحث امکانات است. کشورهای صاحب سبک از نظر امکانات سخت‌افزاری خیلی از ما جلوتر هستند و از نظر پزشکی، آمادگی جسمانی، سالن‌ها و تمریناتی که دارند با ما قابل مقایسه نیستند. مسئله دوم تعداد تمرینات و بازی‌های حرفه‌ای بازیکنان در لیگ‌های معتبر است. بازیکن ما که بهترین بازیکن جهان هم شده در لیگ که خیلی پویا نیست، چند بازی بیشتر انجام نمی‌دهد؛ شاید اگر همه بازی‌ها را کنار هم بگذاریم به ۵بازی هم نرسد، اما در والیبال ایتالیا لیگ دارد. جام‌حذفی، یورولیگ و... جوان آنها ۲۰ بازی می‌تواند انجام بدهد. اینجاست که بازیکن ما عقب می‌افتد. نکته سوم که خیلی مهم است، بحث تفکر و فرهنگ بازیکنان است. اما اگر بتوانیم مثل کشورهای سطح اول فکر کنیم، مثل آنها تمرین و استراحت کنیم، مثل آنها تغذیه داشته باشیم و حتی مثل آنها تفریح کنیم، چون جوان باید تفریح داشته باشد، عقب نمی‌مانیم.

فرق ما با بقیه

نداشتند. کسی که در فاز گربه می‌رود و در موضع ضعف است، ادرنالینی که باید ترشح کند، نمی‌کند. اما در ست دوم که همه بازیکنان به حالت عادی برگشتند تیم متفاوتی دیدیم. خود ایتالیا هم فکر نمی‌کرد بازی آنطور پیش برود؛ البته بحث فنی هم بود و ما از ست دوم از بلن دوم استفاده کردیم که بهترین فرم تیم در آن بلن بود. ما این بلن‌ها را تمرین کرده بودیم. ایتالیا از نظر آنالیز کشور یک دنیاست. آنها کاملا ما را آنالیز کرده بودند و ست اول روی سیستم آنالیز آنها واگذار کردیم. از امتیاز ۱۹-۱۸ دیگر به آن ست فکر نمی‌کردم و بیشتر روی بلن ۲ و اینکه از ست دوم چطور بازی کنیم، تمرکز کرده بودم.

وقت ریسک نبود؟

مومنی‌مقدم: یکی از فاکتورهای مربی‌گری ریسک کردن است.

وقت قهرمانی ۲۰۲۳ برای شما لذت‌بخش‌تر بود یا این دوره؟

مومنی‌مقدم: هر دو قهرمانی برای من لذتبخش بود. دوره قبل هم ما ۲ بر یک از ایتالیا عقب بودیم و توانستیم به بازی برگردیم. آنها کمتر تیم یک کادر ۱۲-۱۱ نفره داشتند، با اضافه آقای ولاسکو که آن دوره مدیر تیم‌های پایه ایتالیا بود. این‌جا هم می‌دانستیم که آنها با ایتالیا پیش می‌روند و ما باید با سیستم ضدآنالیز بازی را برگردانیم. در آن بازی یک بازیکن خوبم به نام مبین نصری را ببرون گذاشتم و یونس جوان را که تافبال خیلی کم بازی کرده بود، به زمین آوردم، جای خانواده را هم عوض کردم و... که با این ترفندها بازی را بردیم. این دوره هم ست اول را با اختلاف ۱۰ امتیاز باختیم. نمی‌که ما این اختلاف می‌بارد. در مخیله بازیکن، تماشاگر و... بازنده است و دیگر نمی‌تواند به بازی برگردد. اما ما در تمرینات سختکوش بودن، جنگندگی، تسلیم‌نشدن، تاکتیک‌پذیری و... را کار کرده بودیم و در بازی پیاده کردیم. از عمران کوچلی، یاسور تیم هم هر کار و هر برنامه‌ای خواستم درست انجام داد.

وقت نقطه عطف آن بازی ۷سرویس متوالی بود که متین زد. در سطح اول والیبال دنیا، آن هم در بازی فینال خیلی کم پیش می‌آید یک بازیکن بتواند اینطور سرویس بزند. متین آن لحظه چه شد که سرویس‌ها نشست؟

متین: از نخستین اردو کادر فنی روی سرویس تأکید داشت؛ چون در والیبال امروز سرویس سلاح مهمی است. هفته‌ای ۴-۳ بار و روزی ۲ ساعت روی سرویس کار می‌کردیم. در کنار اینکه یک ساعت هم بدنسازی داشتیم، بیشتر بچه‌ها سرویس‌هایشان عالی بود و من هم در تمرینات روی سرویس خیلی نمر کز کرده بودم. آقا رضا سرعت‌سنج داشت و اگر این هفته سرعت سرویسم روی ۱۲۰ کیلومتر بود، سعی می‌کردم هفته بعد سرعت به ۱۲۱ کیلومتر برسد. آخرین رکوردم ۱۲۹ کیلومتر بود. از قبل منتظر چنین صحنه‌هایی بودم؛ چون برایش وقت گذاشته بودم.

وقت زدن سرویس قدرتی، ریسک نداشت؟

آمادگی‌اش را داشتم؛ نه اینکه بخواهم ۷سرویس بزنم، ولی می‌دانستم می‌توانم ۴-۳ بازیم. اگر پوئن ۲۲ خسته نمی‌شدم باز هم ادامه می‌دادم، ولی دیگر توان زدن نداشتم. در کل هر چیزی که تمرین کرده بودیم، مو به مو در مسابقات خودش را نشان داد.

وقت بعد از قهرمانی هم عکسی منتشر شد که خیلی دیده شد؛ عکس خواب با جام قهرمانی... این ایده را از فوتبالی‌ها گرفته بودی، اصلا فوتبال می‌بینی؟

متین: الان که نه، ولی قبلا فوتبال می‌دیدم و طرفدار رئال مادریدم. این عکس گرفتن با جام را هم بعد از المپیک در والیبال دیده بودم. آقا رضا شب قبل از بازی فینال گفته بود همه در ذهنشان قهرمانی را تصویرسازی کنند. من به خودم گفتم فردا می‌رویم، قهرمان می‌شویم. من یکی از بهترین‌ها می‌شوم. می‌آیم اینجا می‌خوابم و با جام عکس می‌گیرم که واقعا همینطور هم شد. تیم کلا به قهرمانی فکر می‌کرد. حتی روز بازی سر ناهار به آقای خیرخواه که عکاس تیم بود، گفتم ما امروز قهرمان می‌شویم و من ارزشمندترین بازیکن می‌شوم. بعد از بازی گفت: اینها را از کجا می‌دانستی؟ گفتم: همه ما فقط ذهن قهرمانی داشتیم؛ حتی یک نفر نگفت اگر ببازیم چه می‌شود. در واقع کسی به باخت فکر نمی‌کرد.

وقت در تیم جوانان بازیکنان در حال تغییر هستند و تکرار قهرمانی خیلی سخت می‌شود. مربی باید از اول استارت کار را بزند. از طرف دیگر تیم ۳ سال پیش

وقت در کدام شهرها استعداد خوب دارید، ولی کم‌کاری می‌شود؟

فیزیک خوب در کردستان، کرمانشاه و لرستان زیاد است، ولی این شهرها خروجی نداشته‌اند و باید آنجا کار شود. بعد از سیدمحمد موسوی و مصطفی شریف از خوزستان بازیکنی در سطح ملی نداشته‌ایم، ولی این دوره علیرضا ممبینی را کشف کرده‌ایم که فوق‌العاده خوب است و کمتر کسی فکر می‌کرد به اردوها دعوت شود. من مثل کسانی می‌مانم که نمایشگاه اتومبیل دارند و تا ماشینی را می‌بینند، می‌گویند این درش خورده، کاپوتش رنگ است و... ؛ من هم اگر بازیکن ۲پنجه بزند،